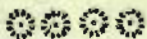


تأثیر اسلام در ادبیات فارسی



اگر تأثیر اسلام نبود امروز چیزی به نام دیوان حافظ
و سعدی، و مقنوی وجود نداشت

میدارد. از حیث مواد، حتی گاه جامع اخصا بدین نظر
می آید. ادبی است که يك جا آکنده از جزم و یقین و
يك جا آکنده از شك و حیرت، يك جا سرشار از
زهد و پارسائی است و يك جا سرشار از لذت، گاه
در صنعت و تکلف غرق میشود و گاه در سادگی و بی-
پیرایی.

از لحاظ زبان اگر چه مهمترین شاهکارهای آن
تعلق به عربی و فارسی دارد، و در ترکی و اردو نیز
آثار ارزنده ای بوجود آورده است. بدلاوه زبانهای
دیگر هم مثل بربری، سواحلی، سومالی، البانی،
ازبکی، کردی، بلوچی، پشتو، سندی، گجراتی،
بنگالی، تامیلی نیز تحت تأثیر اسلام، آثار ادبی قابل
توجه ابداع کرده اند. (۱)

در میان ملتهای جهان از همه بیشتر که اسلام

اشعه اسلام از زبانهای سوزان حجاز گذشت و
سلکتهائی از قیل ایران، هند، افغان، مصر، شام،
روم، ترکستان را روشن کرده این ابرو بر بکت بر سطح
افکار هر ملت و جسمیتی که با يك حیات تازه ای در
کالبدی روح آن ملت پدید نبروهای نهفته را پرورش
داد و ذخائر درونی را استخراج کرد، و در مسیر تکامل
مردم و جامعه بکار انداخت.

اسلام در میان هر جمعیتی که وارد شد استعدادهای
آنانرا از جهات مختلف مورد توجه قرار داد. یعنی
همانطور که در اخلاق مردم اثر گذاشت در علم و
صنعت، فلسفه و هر قان، هنر و ادبیات آنانرا نیز
حیات و نشاط بخشید.

و در اسلام از حیث مواد، از حیث زبان، از
جست و مان و از حیث مکان تنوع کم نظیری عرضه

ادبیات آن‌ها رشد و ترقی داد و حتی بکلی قیامه‌اش را عوض کرد ادبیات عربی و فارسی است .

از قرن دوم هجری که سخن سرایان پارسی شروع بسردن اشعار نمودند ، تحت‌اندک‌هایی که از اسلام و قرآن گرفته‌اند توانستند ادبیات ایران را بصورت آبرومندانانه‌ای بدینا عرضه بدارند . اگر ببخوانید که در سال ۱۷۷۵ «ویلیام جان» کتابی به اسم تفسیر اشعار آسمانی منتشر می‌نماید و سپس گنستان و بوستان «سعدی» بزبان آلمانی ترجمه می‌گردد و در اثر نفوذ اشتیاق مردم ، متعاقب آن «یوسف و زلیخا» را ترجمه میکنند تمام اینها از اسلام است . زیرا چیزی که توانست در این سرزمین سعدی ، حافظ و مولانا تربیت کند اسلام بود و اگر اسلام و زبان قرآن نبود ما امروز گنستان و بوستان و دیوان حافظ و ملامی در می و ... را نداشتیم پس تمام اینها بقول حافظ از دولت سرقرآن و اسلام است .

علت ترقی و تکامل ادبیات فارسی طبق نظریات متخصصین و اهل فن ، این بوده است که همراه سپاهیان مسلمان عرب دربان ، بعد از فتح ایران ، کلمات و واژه‌های عربی نیز در میان پارسی زبانان پخش گردید و ایرانیان چون باشوق و علاقه‌ی نظیری از اسلام استقبال نمودند و قرآن‌ها که بزبان عربی بود کتاب دینی و راهنمای خود قرار دادند ، و زبان عربی را زبان دین خود دانستند ، لذا توسعه و تحولی بس وسیع در زبان و ادبیات ایران بوجود آورد ، و حتی زبان

(۱) تاریخ ادبیات ص ۳۰ نگارش دکتر رضازاده شفق

پهلوی (فارسی قدیم) که گنجایش معارف بلند اسلامی را نداشت به فارسی دبی (فارسی کنونی) مبدل ساخت .

آری سخن سرایان هوشمند ایرانی احساس کردند که بخاطر رشد ادبیات باید از زبان وسیع عربی که زبان دینی آنان نیز هست استفاده کنند ، و مادر اینچا به افراز چند عر از متحصصین ، در این مورد اکتفا میکنیم :

- ۱ - «پس از حمله عرب بر ایران ، زبان معمول که همان پهلوی بود تغییراتی یافت و بتدریج جای خود را به زبان دبی (فارسی کنونی) داد و بدین ترتیب تشر فارسی بعد از اسلام بوجود آمد . از خصوصیات زبان فارسی نسبت به پهلوی ، یکی نوشته شدن آن است به الفبای عربی ، دوم داخل شدن کلمه‌های فراوان عربی در آن است که از همان ابتدا بصورت شروع شد ، چنانکه در قدیمترین آثار نظمی و نثری فارسی ملاحظه می‌کنیم . و باید دانست که استعمال کلمه های عربی در آن زمان نه تنها از ضروریات بود بلکه نوعی نشانه علم و ادب شمرده میشد .» (۱)
- ۲ - «فن «مقامه نویسی» و نوشتن داستان که بقوه لغت میتوانند تحقق پیدا کند ، گذشته از اینکه مستلزم ذوق و ذکاوت مخصوص میباشد ، احتیاج مبرم به تبحر در علوم لغوی و صنایع بدعی نیز دارد ، همین جهت این فن در فارسی بسی متکلف تر خواهد بود ، زیرا :

اولاً : عربی ، بیجهت وسعت دایره لغات و

خصوصیات لغوی و وجود مترادفات کثیر و همقالب و هموزد بودن کلمات ، زمینه برای تفسیهای ادبی مساعدتر میباشد .

ثانیاً : ندوین کتب لغت و علوم بلاغی که تکیه مقامات (داستانها) بر آن دو است ، در عربی سابقه مند دارد . علوم ادبی عربی از دیرباز توسعه و کمال یافته و تکلیف کلمه و جمله از حیث اشتقاق و مدلول و املاء و انشاء معین شده و اصول قواعد زبان ، جزء بجزء ، مرتب و مدون گردیده است ... بطوریکه هنوز زبان فارسی نه فقط نیازمند ندوین صرف و نحو و معانی و بیان و لغت میباشد ، بلکه احتیاج مبرم بتدوین قواعد دستوری کامل و جامع دارد . مخصوصاً در موارد استثنائی ، دستور زبان که بکلی لابنحل مانده است ... و تاریخ ادبیات نشان میدهد که زبان عربی در اثر تدوین قواعد و اشتقاق ، آماده تعلیم و تعلم گردید و سرعت در همه جای دنیای متمدن اشاعه یافت و فرنها ، زبان علمی و ادبی جهان گردید .» (۱)

- ۳ - در این اوان (دوره قرن اول هجری و علیه عرب بر عجم) نوزدهادست‌عربی در لهجات ایرانی بیشتر از دو جهت صورت گرفته است : نخست در مواردی که يك کلمه عربی ساده نرا از يك کلمه کهنه ایرانی بنظر نیاید و یا کلمات ساده‌یی بود که استعمال آن‌ها به گشایشی در زبان فارسی می‌گردید . دوم در مواردی که در قبایل يك کلمه عربی معادلی یافته نمیشد و استعمال آن هم لازم نظر می‌رسید ... و هر چه از آن بقرون

(۱) مقامه نویسی در ادبیات فارسی

(۲) تاریخ ادبیات در ایران ص ۱۵۲

متأخر توجه کنیم اثر زبان عربی را در عموم لهجات ایرانی و هلی‌المخصوص در زبان ادبی فارسی بیشتر می‌بینیم ... (۲)

ولی منافسانه باخداست که زبان عربی به ادبیات فارسی کرده است ، هر چند مدت ، بیکار مشاهده میکنیم که عده‌ای «اوستازده» زری اغراض خاصی ، مطالبی از قبیل اینکه «باید تمام لغات عربی را از زبان فارسی بیرون نمود» و «برنامه عربی در کلاسهای دانشگاه باید حذف شود» و امثال این کلمات را مطرح میکنند دیگر این فکرها نکرده‌اند که اگر همه لغات عربی را از این زبان بیرون کنند ، پیشاپیش آن باید دیوان سعدی ، حافظ ، ناصر خسرو ، نظامی ، مولوی و خلاصه ادبیات و ذخائر گرانمای ادبی ایران را خارج نمایند زیرا بسیاری از اشعار آنها از قرآن و احادیث اسلامی گرفته شده است .

اگر اسلام نمی‌بود آیا حافظ میتوانست چنین شعر بگوید ز آنش وادی ایمن نه منم خرم و بس

موسی اینجا بسامید قیسی می‌آید
آیا جامی میتوانست فکر خود را چنین جولان دهد ؟
دیر می‌جنبد بشیرای باد بر کتکان گذر
مژده براهن یوسف پیر یعقوب را
برای اینکه تأثیر اسلام در ادبیات فارسی معلوم گردد بعنوان شاهد چند نمونه از اشعار سخن سرایان فارسی که قرآن و احادیث را هانها و مریی آنان بوده است اشاره میکنیم .

توحید : بزرگترین نیروئی که انسان را در مشکلات باری میکند ایمان و اعتقاد بشداوند است بقیه در صفحه ۵۳

آخر تاریخ را ورق بزنیم و معتقدات ملل مختلف جهان را مورد مطالعه قرار دهیم خواهیم دید که تمام ممالک بیرون ناگستی بین خویش و مذهب خود دارند. این بیرون ممالک در اسلام بلکه در مسیحیت، یهود و سایر ادیان با همه تحریف و تحراتی که در آنها راه یافته بیز چشم می خورد. نقش کلیسای کاتولیک روم در ایراند بهنگام تسلط قدرت برینا بنا؟ در ایستان بهنگام تسلط حکومت پروس مورد توجه است. بیوند ناگستی مسلمانان بر سایر مملکتها بوده و بهترین وحی آنها علت استقلال پاکستان، قدرت اسلام بود.

حقی در ایران بر بیوند مستحکم مسلمانان با مذهب بطریق برجسته ای نمایان است برای مثال می توان از واقعه «رژئی» در زمان سلطنت قاجار که در واقع روشنگر این واقعیت است نام برد که چگونه سخن یک رهبر مذهبی، توانست امتیاز تباکورا از مسلمانان شرکت خارجی پس بگیرد.

زبان :

هرمندی که دارای ادب، اختراعات، فرهنگ، آموزش، سنت، ادبیات و هنر است به وسیله ای برای محافظت از آنها با چتری برای سایه امکانی به آنها، نیاز دارد و این زمان است که می تواند بگانه محافظ واقعی تمدن و فرهنگ باشد.

در این نوشته تنها عوامل مهم ناسیونالیسم بررسی گردیده با علم باینکه عوامل دیگر از قبیل خط، اقتصاد، سازمانهای سیاسی، نظامی، اجتماعی، سابق تاریخی و نیز در ناسیونالیسم یک ملت نقش عمده ای ایفاء می کند.

بسیار از صفحه ۳۶

ایمان بخالق جهان هستی باعث آرامش روان بشر است.

سعدی در این باره گوید :

اینهمه نقش صعب بر درو دیوار وجود

هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار

کوه و صحرا و درختان همه در تسبیحند

نه همه مستمعان فهم کنند این اسرار

که تو اندک دهد میوه رنگین از چوب

یا که داند که بر آرد گل صد برگ زخار

مکتب اسلام

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است

دل ندارد که ندارد بخداوند اقرار

گر گوهر طاعتت تسقنم هرگز

و در گسرد گنه ز رخ ترقم هرگز

نویسد نیم ز ساز گناه کرم

هاتف گوید : زیرا که یکی دادو نگنم هرگز

چشم دل باز کن که جان بینی

آنچه نادیدنی است آن بینی